

کتاب الوحشیات

مصطفی ذاکری

موصل وفات یافته و گفته‌اند که او ۱۴ هزار ارجوزه از اراجیز عرب و تعداد کثیری قصیده و قطعه حفظ داشته و جز دیوان شعرش چند کتاب هم نوشته که مهمترین آنها دیوان الحماسه و نقاض جریر و رخطل و کتاب حاضر یعنی الوحشیات است. دیوان الحماسه و الوحشیات شامل گزیده‌های اشعار عرب در زمینه‌های حماسه — که مهمترین بخش و نخستین آنهاست — و مراثی و ادب و نسیب و تشبیب و هجا و سماحت و مهمانداری و صفات و پیری و لطائف و نکوهش زنان (هر کدام در ده باب) است.

نگارش کتاب الحماسه داستانی دارد بدین شرح که چون ابوتّمّام از نزد عبدالله بن طاهر، والی خراسان، برای بازگشت به وطن راهی عراق شد، در همدان برفگیر شد و راهها در اثر برف و بوران شدید مسدود گردید؛ ناچار در آن شهر ماند و یکی از افاضل همدان به نام ابوالوفا محمد بن عبدالعزیز او را در خانه خود پذیرفت و از او پذیرائی کرد و کتابخانه خود را که حاوی کتب شعرای مهم بود در اختیار او گذاشت و ابوتّمّام در مدتی که در آنجا بود اشعار منتخب خود را از این کتب استخراج و تحت عنوان دیوان الحماسه تدوین کرد که بعداً این کتاب به وسیله یکی از علما به نام ابوالعواذل دینوری از همدان به اصفهان برده شد و مورد اقبال دانشمندان آن دیار واقع گردید و شهرت یافت.

اما الوحشیات یعنی اشعار وحشی که مختصرتر از الحماسه است و اگرچه ممکن است در همان همدان فراهم شده باشد اما شهرت آن را نیافت. وحشی در عربی چند معنا دارد که یکی از آنها «جانور بیابانی فراری از مردم» است که «با مردم انس ندارد» مانند درندگان و غزال و گاو وحشی و غیره که این معنا در فارسی معروف است. معنی دیگر آن «نامأنوس و غریب» است که به خصوص به لغات نادر و کم کاربرد اطلاق می‌شود و در اینجا وحشی به معنای «اشعار ناشناخته و نامأنوس» است. ابوتّمّام در کتاب الحماسه معروفترین اشعار را گردآوری

کتاب الوحشیات، تألیف ابوتّمّام حبیب بن اوس طائی، به کوشش محمدرضا ابونئی مهریزی و وحید ذوالفقاری، با پیشگفتار احمد مهدوی دامغانی، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۹. ۷۵ + ۲۶۵ + ۸ صفحه.

ابوتّمّام از شعرای بزرگ عرب در قرن دوم و سوم هجری (متوفی ۲۳۱ هـ) است که نه تنها خود شاعری توانا بود بلکه جامع اشعار شعرای دیگر هم بود که با حسن انتخاب خود گزیده‌ای از بهترین اشعار عربی را در زمینه حماسه و زمینه‌های دیگر جمع‌آوری نموده است و چون ذوق شاعری قوی داشته، انتخابات او طبعاً از میان بهترین و زیباترین اشعار بوده است.

پدر ابوتّمّام مسیحی و صاحب میخانه‌ای در دمشق بود و نامش ثادوس یا ثیودوس بود و چون ابوتّمّام به اسلام گرایید نام پدر خود را به «اوس» تغییر داد و نسبت خود را به قبیله طئی رسانید و خود را «طائی» نامید. دیوان شعر او از بهترین دواوین شعر عربی دانسته شده است که شامل مدیح، مراثی، معاتبات، وصف، غزل، مفاخره، وعظ، زهد و هجاست و برخی از اعظام ادبای قدیم و جدید به شرح و تفسیر اشعار او و مقایسه بین او و شاعران بزرگ معاصرش چون بحتری و متنبی پرداخته‌اند و برخی رقمی بالغ بر چهل و یک شرح بر کتاب الحماسه او بر شمرده‌اند که برخی از معاریف اهل فضل همچون مرزوقی اصفهانی (د. ۴۲۱ هـ) و ابوالعلائی معری (د. ۴۴۹ هـ) و اعلم شنتمری (د. ۴۷۶ هـ) و خطیب تبریزی (د. ۵۰۲ هـ) و ابن فندق (د. ۵۶۵ هـ) از جمله آنها بوده‌اند.

ابوتّمّام بنا به تحقیق آقای مهدوی دامغانی در مقدمه کتاب مانحن فیه شیعه امامی بوده است و اشعاری در این زمینه دارد لکن به شیوه معاصرانش به دربار خلفای عباسی راه یافته است و او معاصر پنج تن از این خلفاء از هارون الرشید تا الواثق بالله بوده است و — بنا به نوشته پسرش — خود در سال ۱۸۸ هجری در جاسم از توابع دمشق به دنیا آمده که مطابق اواخر دوره هارون بوده است و در میانسالی در ۴۳ سالگی در



خریداری کرده است و در کتابخانه شخصی خود نگهداری می‌کند و اکنون از روی این نسخ چاپ عکسی یا به اصطلاح نسخه‌برگردانی به قطع اصلی به وسیله مرکز پژوهشی میراث مکتوب چاپ و منتشر شده است که هدیه‌ای است بزرگ به دوستداران ادبیات عرب که اکنون نسخه منقح و تقریباً بی‌غلطی از این کتاب را در دست خواهند داشت.

ضمناً باید گفت که متأسفانه نسخه یزد که اکنون نسخه‌برگردان آن چاپ شده است بین ۱۵ تا ۱۷ برگ افتادگی دارد که از روی مقایسه این نسخه با متن چاپ شده از روی نسخه استانبول معلوم شده است اما خط نسخ واضح و اعراب‌گذاری صحیح و بی‌غلطی نسبی آن جبران این کمبود را می‌کند.

این چاپ مزایایی هم دارد؛ نخست اینکه پیشگفتاری به قلم دانشمند متبحر در ادبیات عرب یعنی آقای احمد مهدوی دامغانی دارد که علاوه بر شرح مستوفایی از چگونگی نسخه یزد توضیحاتی درباره اشتباهات نسخه‌های یزد و استانبول و ایرادهایی بر حواشی و تعلیقات چاپ استانبول دارد که بر ارزش کتاب بسیار می‌افزاید و سپس پیوست‌های سودمندی در آخر کتاب آمده است که نخست فهرست ابیاتی است که نسخه یزد بر چاپ قاهره اضافه دارد که به پنجاه بیت می‌رسد و دوم فهرست ابیاتی است که چاپ قاهره بر نسخه یزد اضافه دارد که بالغ بر شانزده بیت می‌شود و سوم تصویر صفحاتی از چاپ قاهره که از نسخه یزد ساقط شده است که از صفحه ۱۵۷ تا ص ۱۹۰ ادامه دارد و پیوست چهارم شامل فهرست تطبیقی عناوین نسخه یزد با عناوین چاپ قاهره است که از صفحه ۱۹۱ تا ۲۲۸ کتاب آمده است.

کتاب با فهرس اشخاص، اقوام و قبایل و تیره‌ها، اماکن و ایام عرب پایان می‌یابد. ترجمه عربی مقدمه کتاب به قلم آقای آذرشب و ترجمه انگلیسی مقدمه نیز به قلم آقای امیدسالار در خاتمه کتاب آمده است.

کرده است و از هر شاعر چند بیتی که به نظرش مهم‌تر آمده، برگزیده و ذکر کرده است. اما اشعار کمترشناخته شده شعرا را در آن کتاب نیاورده و آنها را در این کتاب تدوین کرده است. ظاهراً این کتاب به نام اختیارالمقطعات هم خوانده شده است یعنی انتخاب قطعات ولی چون مانند حماسه شامل اشعار معروف شعرای متقدم نبوده است چندان جلب توجه نکرده و از آن در منابع موجود یاد نشده است و به همین دلیل نسخه‌های آن نایاب است و تا این اواخر فقط یک نسخه از آن شناخته شده بود که شخصی به نام علی بن احمد بن ابی‌الجیش بوازیحی در آخر ماه ربیع‌الثانی سال ۶۳۷ هـ. آن را کتابت کرده و اکنون در کتابخانه سلطان احمد سوم در توپ‌قاپی‌سرای در استانبول نگهداری می‌شود و از روی همان در سال ۱۹۶۳ میلادی چاپی انتقادی به اهتمام عبدالعزیز میمنی و رجکوتی از دانشمندان بزرگ پاکستانی با همکاری محمود محمد شاکر در دارالمعارف قاهره چاپ شد که تعلیقات گرانبه‌ای دانشمند مذکور بر ارزش آن بسیار افزوده است.

اما اکنون نسخه دیگری از این کتاب در یزد پیدا شده است که شخصی به نام ابوالفرج بن ابی‌المعالی بن ابی‌الفرج آن را در شوال ۵۵۰ نوشته است یعنی ۸۷ سال پیش از نسخه استانبول و ضمناً کاتب این نسخه خود مردی دانشمند بوده است که آن را برای خود استنساخ کرده و حواشی متعددی بر آن افزوده است که غالباً از افادات دانشمندی دیگر به نام یا شهرت «اوحده» بوده و این اوحده استاد ابوالفرج و خود از شاگردان بلافضل ابومنصور مدهوب بن احمد بن محمد جوالیقی بوده است که کتاب معروف المعرب عن الکلام الاعجمی را نوشته است (د. ۵۴۰ هـ. در بغداد) و در چند جای این نسخه قید شده است که اوحده از جوالقی چنین نقل کرده است (جوالقی ظاهراً صورت صحیح‌تر جوالیقی است ولی جوالیقی در نام او معروف‌تر است).

این نسخه را آقای دکتر وحید ذوالفقاری از قهوه‌خانه‌ای در جنب مسجد جامع یزد که ضمناً عتیقه‌فروش هم هست